



ضمیمه خبرنامه شماره ۳۰

چریکهای فدائی خلق ایران - مازندران

گزارشی درباره

کمبود آب در روستاهای اطراف آمل

و

خانه خرابی کشاورزان

پیش بسوی سازماندهی مساجح توده‌ها!



از بهار سال ۵۹ در روستاهای اطراف آمل کمبود آب محسوس بسود، زحمتکشان روستاهای اطراف آمل درمقدار گشت این موضوع برآمدند و اندکی بعد عمده ترین دلیل کمبود آب را بتسکونه برای یکدیگر بازگو میکردند: شرکت سازنده "سد لار" برای آنکه زودتر ساختمان سد را ببایان برساند و تحویل دولت دهد پیش از حد لزوم آب را در دریاچه پشت سد ذخیره میکند. دولت هم که در واقع خود همانند دولتهای سلفش در رژیم محمدرضا شاهی جاده صاف کن این شرکتها برای هجوم و سرمایه - گذاری در ایران است از طریقی که شرکت ریخته بود (بستن دریچه های سد و جمع آوری آب در پشت آن) بندش نمی آمد و حتی خود بنحوی درطسرح و اجرای این "ابتکار" که بسیاری از روستا شیان زحمتکش را در تنگنا قرار داده، دست داشتند است. یکی از علل رضایت دولت برای اجرای این طرح آن بود که از اواخر سال ۵۸ برآورد شده آبی که بمصرف اهالی سسی استان مرکزی میرسد، بسیار کم شده است. جیره بندی آب در گذشته نیز نتوانسته بود مشکل کمی آبی را حتی تا اندازه دلخواه مسئولین حل کند و ادامه این وضع علاوه بر آنکه بناظر منارک! سرمایه داران وابسته را منقدر میساخت (چون ممکن بود آب جیره به واحدهای تولیدی که احتیاج به آب کافی دارند نیز نرسد)، به نارضایتی اهالی مرکز نیز اسیب میزد. از طرفی این امکان وجود داشت که آب دریاچه "سد لار" از طریق یک تونل به دریاچه "سد لتیان" که آب مورد نیاز استان تهران از آن تا همین میبود منتقل گردد و کمبود یا نشده را برطرف نماید. با توجه به آنکه تعداد زیادی از شرکت های امپریالیستی در تهران و شهرستانها متمرکز شده اند و با توجه به آنکه برای بگردش در آوردن این شرکتها دولت وابسته می بایست کلیه تسهیلات را چه برای معارف مستقیم و معارف جنبی منتهی

و کشاورزی وجه برای تاء مبین نیاز زمینیهایی کارکنان این شرکتها و پرسنل اداری دولت و ... فراهم نماید، بنا بر این دولت به اجرای طرح فوق رضایت داشت و آنچه برایش مهم نبود، خانه خوابی هزاران روستایی زحمتکش بود که در این رابطه برفلاکتشان بیش از پیش افزوده میگشت. البته اعتراض کشاورزان که حتی میرفت به مراحل حادی برسد باعث شد دریاچه‌های سد زندگی بازشوند و آب مجال عبور بیابد ولی طبق آخرین اطلاعات واصله (که هنوز کاملا تاء شید نشده) در واحد زمان حدود ۱۰ متر مکعب آب همچنان در پشت سد ذخیره میگردد.

اما عامل فوق به تنهایی دلیل کمبود آب نبود؛ از عوامل دیگر سیاستها و دخالتهای نابجای حاکمیت و ارتگانهای حکومتی مانند "جهاد سازندگی" در امور کشاورزی رایباید نام برد که بطرق مختلف در واقع دست به تخریب میزدند بدون آنکه این امر رایبای سازندگی توأم نمایند. مثلا وقتی خمینی خطاب به روستائیان گفته بود همه زمینها را زیر کشت ببرید، در برخی از روستاها برنامه خشک کردن "انئون" (آب بندان) و استفاده از زمین آن برای کشت ابراه انداخته شد که حاصل طبیعی آن ضایعات بیشمار بعضی بود، زیرا این "انئون"ها مرکب از انباشته شدن آب باران در فصول پرباران سال بود و در فصل تابستان، آب جمع شده سردا استفاده قرار میگرفت که با خشک شدن آنها اراضی وسیعی دچار بی آبی شدند چون چیزی بجای آنها احداث نشده بود. "جهاد سازندگی" که همیشه حاضر براق آماده "خدمت" ا به روستائیان است، با شرکت مستقیم یا غیر مستقیم در خشک کردن "انئون" یک نمونه از "سازندگی"های خود را بمعرض نمایش گذاشت!

دولت نه تنها دست با قداماتی عمرانی از قبیل حفیرکاناها، احداث حوضچه‌ها (اگر ضروری باشد) و ... که کامهایی در جهت سرو سامان دادن به سیستم آبیاری هستند و حتی در وضعیت اقتصادی - اجتماعی حاضر، بیش از هر چیز بسود خود دولت میباشند، نمیزند، بلکه سازمانهای دولتی با سیاستها و دخالتهایی از نوع فوق امکانات طبیعی و سنتسی روستائیان را نیز از دستشان میگیرند.

سومین عامل ، بارندگی کم امسال در کوهپایه های مجاور دشتهای
مازندران و در مناطق دشتی بود. مقدار آبی که امسال در سفره های
زیرزمینی جمع شد و بواسطه چشمه ها از زمین بیرون جوشید و با از طریق
چاه های حفر شده (نیجه عمیق) مورد استفاده روستائیان زحمتکش
قرار گرفت ، ناچیز بود و این خود یک عامل کمبود آب بحساب می آید .
اکنون درباره هر یک از موارد یاد شده اندکی بیشتر سخن میگوئیم .
۱- در مورد ممانعت از جاری شدن آب رودخانه هراز از طریق بستن دریچه
- های " سداز " :

روستائیان بر از سداز سحر به میدانند که اگر موقع کشت نامناسب
انتخاب شود ، در بار زده کارشان تاثیر نامطلوب بجای میگذارد . به همین
جهت همواره به این موضوع توجه دارند و جهت فراهم کردن تدارکات
لازم برای موقع مناسب تلاش میکنند . مثلاً در برخی مناطق روستائی که
بکناره های دریا نزدیکتر است ، موقع شروع " خزانه کاری " [یا شیدن
بذر (نالی) برای نشاء] حتی قبل از رسیدن آب است . هنگام آغاز " خزانه
- کاری " آب باید با اندازه کافی وجود داشته باشد چه در غیر اینصورت
ضربه بزرگی بمیزان محصول برداشتی وارد می آید . در برخی از دیگر نقاط
، زمان مناسب اندکی دیرتر است . ناگفته نماند که موقعیت جغرافیایی
فیاضی روستاها مهمترین عاملی است که باعث میشود برای این بسکی
فلان موقع و برای دیگری بهمان وقت . زمان مناسب برای کشت تشخیص
داده شود . در گذشته روستائیان یک جدول " زمان بندی " تجربی بدست آورده
بودند که نشان میداد در مورد معینی از موسم کشت ، نیا فلان روستاها بسه آب
بیشتر از سایر روستاها است ، بنابراین زحمتکشان سایر روستاها ، آبهای جاری
را کمتر مورد استفاده قرار میدادند و آنرا طوری هدایت میکردند که به تقاضای
محتاج آب بیشتری برسد . سپس در مورد دیگری همین نیاز برای تعدادی از دیگر
روستاها احساس و اینبار جریان آب طوری تنظیم میشد که به اسر روستاها آب
بیشتر برسد و آلی آخر . منتها چون تعداد دفعاتی که در مواصل تقریباً منظم ،
آب بهیچ سمتی به سمت ناحیه خاصی جاری نشود محدود نبود ، همان مقدار آبهای بیرون
ارضی و تحت الارضی که بر اثر بارندگی حاصل میشد برای بیشتر روستاها نسبتاً

اما سال وضع دیگری بوجود آمد: هکتارها زمین تحت اختیارزمین-داران بررک بدست زحمتکشان روستاها مصادره شده بود. این امر شور و شوق کشاورزان را برای کار بیشتر برانگیخت و در نتیجه نیاز به آب افزایش یافت. به علاوه مقدار زیادی از زمینهای بایر نیز که تا بحال بخشی از شروتهای زمینداران و شهرنشینانی را که ممر درآمد دیگری داشتند تشکیل میدادند و زیرکشت نمی رفتند، بدست زحمتکشان روستاها مصادره و رکناریزی در آنها آغاز شد که این امر نیز نیاز به آب را افزایش داد. حال اگر در نظر بگیرید که بدلیل صعود سرسام آور قیمتها و بالارفتن سطح حداقل درآمد لازم برای گوداندن یک زندگی، خسرده - مالکان نیز بهمانستهای کشاورزی خود افزوده اند دیگر نمیتوانید سهولت دریا بید که نیاز به آب یکباره چقدر افزایش یافت.

تا زه این یک جنبه مسئله است: شاید اگر زمینهایی که بهاراضی تحت کشت قبلی افزوده، ندد و بیادر وضعیت جدید خود نیاز به آب بیشتری داشتند همه در مناطق کناره دریا قرار داشتند و یا همگی به قسمت علیای رود هراز نزدیک بودند، یعنی جزو دونا حیهای بودند که زمان مناسب کشتشان از روی جدول " زمان بندی " از یکدیگر دور است، مشکل کمبود آب تا حد زیادی قابل جبران بود، ولی این زمینها برآکننده بودند و با وارد شدن آنها به حوزه کشت، فاصله جغرافیائی مناطقی مختلف که سابقاً " در جدول " زمان بندی " وقت کشت کاری هر یک تقریباً" مشخص و متمایز از یکدیگر بود از بین رفت و به تناسب نزدیکی به این یا آن منطقده، اوقات مشخص دیگری که برای کشت زمینهای جدید مناسب بودند به جدول " زمان بندی " اضافه شد. در نتیجه برخلاف گذشته که بدفعات محدود در موسم کشت نیاز به آب فراوان حس میشد، اکنون دیگر در سراسر موسم کشت آب زیاد مورد احتیاج بود که البته بدلیل افزایش اراضی تحت کشت، مقدار آن نیز زیادتر از گذشته میباشد.

در یک چنین شرایطی آب رودخانه هراز بوسیله " سد لار " مهار

گردید و دیگر خود حساب کنید که چذیان جبران ناپذیری بکشاورزان
منطقه وارد آمد. جالب آنستکه همزمان با خانه خراب شدن هزاران تن
از شریفترین مردم این مرز و بوم، بدلیل کمبود آب، حضرت آقاسی -
بنی صدر در "فرمایشات" خود، کسانی را که بقول وی "فدائقلابی" اند
متهم به "شایعه پراکنی" در مورد کمبود آب کرد (!!) ایشان در مصاحبه
تلویزیونی خود نیز پس از آنکه ابراز داشتند افکار و سنخ ایشان نشان
داده است هشتاد درصد مردم معتقدند که از رادیو و مطبوعات حقیقت را
نمی شنوند، افاضه کلام فرمودند! که در چنین حالتی شرایط بسیار
شایعه پراکنی ساده میشود و هر شایعه پراکنی و..... بوجود می آید -
(نقل به معنی) . تا آنجا که به سخن پراکنی های عوامل مزدور امپری -
پالیسم که بدلیل دعوا بر سر منصب مزدوری با دولت ایشان جفا داده اند
مربوط میشود، آقای بنی صدر خود دانند که چگونه با مسئله برخورد کنند
و ربطی بها ندارد، اما آنجا که پای بیان واقعیتها و حرکت برای تغییر
آن بشفح زحمتکشان در میان است افشای حقایق در قالب رویدادهای مشخص
روزمره به میلیونها زحمتکش این آب و خاک، نشان میدهد که تا چه حد
ادماهای سردمداران وقت بوج و خاشاک است . کما اینکه همسواران
زحمتکش روستاهای اطراف آمل اکنون بگویند میدانند منظور آقاسی -
بنی صدر از شایعه پراکنی همان بیان واقعیتها و مشکلات بوده است -
ستم دیده این آب و خاک، و افشای سیاستهای ضد مردمی دولت در رابطه با
آنان میباشد .

۲ - در زمینه سیاستها و فعالیتهای نایبهای حاکمیت و ارگانهای حکومتی
از قبیل "جهاد سازندگی" ؛

مدتی پیش حاکمیت برای اینکه خود را ملی جا بزند و بگوید ما متسکی
به تولیدات داخلی هستیم با بوق و کرنا اعلام کرد " بفرموده رهبر کبیر
که دستور داده اند تمام زمینها باید زیر کشت برود....." (نقل به -
معنی) شما روستائیان " عزیز " باید فعالانه بکار بپردازید تا ما
گندم و برنج و..... را از خارج وارد نکنیم .

بدیهی است در این رابطه پیش از هر چیز باید زمینیم خود حاکمیت چه

اقداماتی انجام داده وجه کمکی بکشاورزان نموده است ، وگرنه گفتن یکمشت عیارات ، هر چند هم رنگ و بوی مردمی داشته باشد ، کار هر خائن خود فروشی نیز هست . در شرایطی که کشاورزان ما از فقر و فشار اقتصادی بیش از حد کمرشان دوتا شده است و بانگها و شرکتهای امپریالیستی و نزولخواهان آخرین شیره حیانتشان را نیز می کنند ، زحمتکشان روستا چگونه میتوانند از زیر یوغ این بردگی مالی نجات یابند و شرایط افزایش تولید آماده شود ؟ حتی میارزه دهقانان برای مصدوره زمینهای تحت اختیار زمینداران که در شرایط ما میتواند گامی در افزایش تولید باشد با سرکوب حاکمیت مواجه شد و به بهانه " نداشتن قبالتسه " نگذاشتند آنها زمینها را مصدوره کنند . همچنین ابزار و وسایل مسورد نیاز کار مانند تیله و ... با شرایط سختی تهیه میگردد . مثلا تیله دست دوم قیمتش به ۱۷ هزار تومان رسیده است در صورتیکه این قیمت در اصل برای تیله دست اول است که با بیستی از طریق کمپانی بفروش برسد ، یا مثلا هزینه تعمیر تیله و بهای اجناس یدکی سربفلک میزند ، کود ، سم و غیره یا در بازار یافت نمیشود و یا اگر یافت شود به قیمت بسیار گزاف به دهقانان فروخته میشود ، دولتی که همه گونه امکانات را در دست خود متمرکز کرده است ، حتی اگر خلقی نباشد قاعدتا " برای آنکه زمین را برای استثمار بیشتر مردم آماده سازد و سناخ بیشتری را تحت عنوان افزایش تولید جلب استعمارگران نماید باید در رفع این نیازمندیها بکوشد ولی دولت کنونی که از تلاش چنین دولتهایی است آنقدر دامنشول سرکوب توده ها است که حتی اقدامات ضروری در این رابطه را نیز انجام نداده است .

پس از این شرح کلی حال ببینیم که عدم توجه دولت در زمینه آبرسانی چه سختیهایی را دانهنگیر روستائیان می نماید . زحمتکشان روستاهای اطراف آمل نیز (چون سایر روستائیان زحمتکش) ناچارند برای تهیه

زمین از آن کسی است

وسایل یدکی بصب آب بیشتر مراجعه کنند که البته این روزها ایسین
 وسایل درآمل پیدا نمیشود و آنها ناگزیرند تا بابل حتی نکا و گرگان
 و آرسوی دیگر تا فریدونکنار و..... بدنبال وسایل یدکی دوندگی
 کنند و تازه اگر قطعه مورد احتیاج خود را پیدا کنند، قیمتش آنچنان
 بالا است که بزحمت زیاد میتوانند از عهده پرداختش بآیند. بستوان
 نمونه وسیله یدکی را که درگذشته نزدیکی ۱۰۰ تومان قیمت داشت بایده
 با ۵۰۰ تومان بخرند. در بسیاری از موارد وسیله مورد نیاز را در
 بازار شهرستانها پیدا نمی کنند و برای تهیه آن به تهران مسافرت
 می نمایند. و مسیبراسر این سرگردانی کلافه کننده برای وسایل یدکی
 دولت است که با سیاستها و دخالتهای زبان آورش فقط در دسر و زخم است
 روستایان را زیادتر میکند. ممکنست حاکمیت ادعا نماید که در شرایط
 تحریم اقتصادی تهیه این وسایل امکانپذیر نمیشود. البته هم اکنون
 درها فروند کشتی درکناره های ایران بیلو گرفته مشغول تخلیه کالاهای
 امپریالیستی اند و خود تحریم دروغی بشر نیست لیکن بهر صورت ایسین
 جواب را حاکمیت باید بماندها و مخالف وابسته بد امپریالیسم بدهد که
 داشما " از حاکمیت اوضاع ایراد بگیرند و نسی میزنند تا عدم لیاقت
 سرده داران حکومتی را با اثبات برسانند و خود جایگاه آنان را اشغال
 نمایند. بدیهی است ما را اول حل قطعی کم آبی را در واد کردن کالاهای
 امپریالیستی مربوطه نمیدانیم. فقط میخواهیم روشن کنیم حاکمیت اگر
 واقعا " خواستار حل مسائل کشاورزان بود میتواندست سعیران اقدامی
 فوری برای رفع مشکل بی آبی به امکانات سنتی (انون ، قناتها ،
 کانالها و.....) توجه نماید و بوضع آشفته آبیاری سروسامان بخشد.
 در مورد خشک کردن " انون " و اختتام دادن زمین آن به کشت نیسز
 در واقع باید گفت دولت " آمد ابرو را بردارد، زد چشم را کور کرد " .
 چنین اقدامی وقتی میتواند مفید باشد که سیستم آبرسانی لازم برای

که روی آن کار میکند

مشروب کردن زمیسه‌های کثافه‌ورزی موجود آمده باشد ولی در شرایطی که بخش بزرگی از نیازهای نایستانی زحمتکشان به آب، از طریق آب ذخیره شده در "انون"ها تأمین میشود، خشک کردن این حوضچه‌ها جز آنکه برنابسا - ماشها بیفزاید هیچ فایده دیگری ندارد.

وقتی اینگونه امکانات درست رفت، روستاها را برای دستیابی به آب به اداره آبیاری رجوع میکنند، بر خورده‌های روستاها را با مسئولین اداره آبیاری و این واقعیت که روستاها را بدلیل شرایط کار و زندگی خود قادر نیستند واقفیات را در برسد وسیع و همه جا نمیشناسند باعث میشود که آنها در این رابطه کارمندان اداره آبیاری را مسئول نرسیدن آب به زمین محبت کشت خود و تمام تقصیرها را متوجه او بدانند! البته تا اندازه‌ای قصاص نشان در دست است، زیرا در گذشته (مثلاً) رشوه‌خواری - ها موقتا "نا محسوس و خفی قطع شده است" برخی از کارمندان این اداره مثل همه ادارات دولتی دیگر مراجعین را "چاق و لاغر" میکردند و بر اساس شعار "هر که زورش بیش، آبش بیشتر" امتیاز آب به مراجع کهنه میدادند، لازم بود گفتن نیست که زور بیشتر افراد از توانائی - شان در جریب کردن سبیل این قبیل کارمندان و پیرکردن جیبهاشان معلوم میشد!

بهر حال در این رابطه نا به بر آگهی های ناداری بوفور دیده میشود و با توجه به عدایان بوسه زدن برای حرکت، کشاورزان اغلب نمیتوانند منتظر تقیبه کا فدیای آبهای ناداری شوند، لذا بعضاً بین مختلف اعترافات خود را بوضع موجود نشان میدهند و چون دشمن واقعی خود (دولت - وابسته) را با بدترستی نمی شناسند و یا قدرت این دشمن در نظرشان خیلی زیاد هست، متأسفانه در موارد بسیار، تلفاتی مصائبی را که گریبانگیر آنهاست بر سر یکدیگر درمی آورند. بر سر آبی اعتمادی آنقدر در بین روستاها را رایج و متداول است که کشیک دادن شبانه برای جلوگیری از منحرف کردن مسیر آب توسط دیگران، تقریباً " بصورت یک سنت معمولی روستاها در آمده است. مثلاً در قسمت علمای (سرینسند) رودخانه هراز نویتی کردن آب و نگهداری برای اجرای طرح قابل قبول

کشاورزان رایج می‌باشد. طبق موافقت کشاورزان دوروستا، آب باید بمدت یک شبانه‌روز نسبت یک روستا و یک شبانه‌روز بمدی سمت روستای دیگر هدایت شود، اما روستائیان برای اجرای درست همین طرح "شویه" (عباب) انتخاب می‌کنند تا مبادا موضوع رعایت نشود. مثلاً روستائیان چند ده رعایت داده اند که آب بمدت ۳ ساعت بمدت "بیشه‌کلا" جریان داشته باشد و سر از آن ۷۲ ساعت تمام نواحی اطراف آن را آبیاری کند (رودی که آب مورد نیاز این روستاها را تأمین میکند علی رود نام دارد) ولی همین امر باید با نظارت انجام پذیرد. همچنین در بسیاری از نقاط بخصوص اطراف آمل و بابل کار روستائیان بر سر آب رود و خورد می‌کند و حتی در موارد متعدد، مثلاً یک مورد در یکی از نواحی شهرستان نور در برخورد زحمتکشان روستا سرسر مشاطه آب بکنفر گشته شد.

بدین معنی است تا همین آب و تنظیم درست و حساب شده جریان آن با بسند بوسیله دولت و بسیاری امکاناتی که تهیه آنها از مذهب زحمتکشان روستا خارج است صورت پذیرد. ولی مخصوص در حدود دوده ده اخیر در ایران، هرگاه دولت اقدامی مربوط به کشاورزی بعمل آوردند، هرچند ظاهراً این اقدامات فریبنده بوده باشد، در اندک مدتی به فقر و ورشکستگی و خاندان‌خرایی بیش از پیش روستائیان زحمتکش منجر شده است و در نتیجه اینک روستائیان به چاره‌ها و تدابیری که خود با اتکال به واقعیات اندیشیده‌اند راضی ترند تا دخالت‌های که با خراب‌کن و نابودکننده دولت و در برابر دولتها که سالها ماهیت آنها را یکسان دیده‌اند نظرشان این است که "عرا به خیر تو امید نیست، شمرسان".

مجموعه سیاست‌های دولت و عملکردهای آن باعث شده است که هم اکنون، حتی اگر یک حیوان زبان بسته به لب رودخانه "هراز" برود تا آب بخورد، دست‌آزیا درازتر برمیگردد. لازم به یادآوری است که بدین مساعدت عوامل طبیعی در یک دهه اخیر این منطقه (نور-محدودآبساد-آمل-بابل) با مشکل کم آبی روبرو نبود و بحرانی ترین و مسخ ده سال اخیر در ۳ الی ۴ سال پیش بوجود آمد که با وجود استفاده

نوبتی از آب با زهم مقدار آن برای آبیاری کافی نبود. بدیهی است
بارندگی کم امسال عامل درجه یک کم آبی و خشکی سابق خود روستائیان
" پنجمی " در این ناحیه تمییز باشد، بلکه سیاستهای دولت در مورد " سدلار"
و مسائل مربوط به کشت و کار و آبرسانی، عوامل موثرتر بروز " پنجمی "
را تشکیل میدهند.

۳- در مورد بارندگی کم :

امسال مقدار ریزش باران در منطقه ای که شهرهای نور، محمودآباد،
آمل و ساری و دهات اطراف آنها در بر میگردد بسیار کم بود. ما در اینجا
تا چایریم ساریه بحث دولت اشاره کنیم ولی باید بگوئیم اگر مسائل
زیرین را در بحث مربوط به سیاستهای دولت مورد بررسی قرار ندادیم
بدان علت است که این مسائل اتفاقاً " در یک دهه اخیر که آب نسبتاً "
کافی بود چندان برای روستائیان عمده نبود و امسال بارندگی کم، موجب
شد که توجه زحمتکشان به اقداماتی که دولت در مقابله با قهر طبیعت
میتوانست انجام دهد بیشتر جلب گردد. دولت میتواند مقداری از پولی
را که سال گذشته صرف خرید ساز و برگ نظامی کرد، بصرف هزینه های
عمرائی برساند. تسهیلاتی از کارهای عمرانی که اینجا مورد نظر است عبارت
است از تسطیح زمینها و هموار کردن آنها برای جلوگیری از جمع شدن آب
در کرتها (" آبی ها و " لنگا ها) و مرز بندیها که بدین ترتیب از هدر رفتن
آنها بمانعت بعمل می آید و استفاده صحیح از آنها انجام میگردد .
دولت میتواند پولی را که برای راه کردن بسیاری از کالاهای امپرسیا-
لیستی (مانند برنج خارجی و) جهت شرکتها و دولت های خارجی
سرازیر کرد، در راه حل مشکل آبیاری هزینه کند و ای دولت حتی جهت -
گیری بیشتر در راه حل این مسئله نبوده و نیست . دولت میتواند برای
استفاده روستائیان ، چاههای عمیق حفر کند ولی نه تنها خود اینکار را
نکرد بلکه چاه عمیق از طرف خود زحمتکشان روستاها را نیز ممنوع
اعلام کرد. البته در صورتیکه حفر چاه عمیق مجاز میباشد، باز هم
زحمتکشان از عمده شامین منابع مربوطه بر نمی آمدند و کندن چاه فقط
بکمک بودجه ای که دولت در اختیار زحمتکشان قرار دهد امکان پذیر است. اما

دولت آنقدر در جلوگیری از حفر چاه عمیق و سواستخرج میدهد که حتی و ام برداختی به روستائیان را نیز دقیقاً "کنترل میکند تا مبادا آن قدر باشد که کفاف مخارج چاه کنی را بدهد. مثلاً" در بخش های مختلف اطراف آمل، وقتی کشاورزان مکرراً به "جهاد سازندگی" مراجعه کرده خواستار رفع کمبود آب شدند، "جهاد" بهر یک از آنسان ۱۰ الی ۲۰ هزار تومان وام داد تا خود بفکر چاره باشند. (در ایش از آنها چک و سفته گرفت). اگر این مبلغ تنها نیازهای بسیار بسیار فوری زحمت-کشان روستا و خانواده هایشان را که گاهی مرگ و زندگیشان در گرو رفع آنهاست برطرف نماید بی تردید روستائیان راه کد میروفتند دعا می - کردند. این در میان به "جهاد" عوض بدهد!! ولی از ناسزاگویی زحمتکشان روستاها میتوان بخوبی دریافت که این مبلغ تاثیر ناچیز موقتی در زندگی آنان داشت و با این حساب پیداست که دیگر حتی سخنی هم از خرج کردن این پول برای ترمیم سیستم آبیاری نمیتواند در میان باشد.

در ضمن مزدوران ملج رژیم آنچنان برای سرکوب کسانی که مسادرت بسدین کار کنند، حاضر براقند که زحمتکشان امکان حفر یک چاه عمیق را حتی اگر چند نفری پولهایشان را رویهم گذاشته مشکل مالی را به این طریق حل کنند، ندارند. نتیجه کم آبی آن شده که هم اکنون در بسیاری از نقاط "پنجی" خیر از آبندهای بیرونج برای زحمتکشان روستاهای این منطقه بدهد.

وضع محصول در "هراز بی" هنوز معلوم نیست، و حتی برخی از روستائیان زمینهای کشت شده را در این بخش به امان خودرها کرده اند، زمینهای اطراف "شورساق" و "ورگاده" خشک شده است. در بخش "دابو" چندین هکتار زمین در وضعیت بلاتکلیفی بر میبرند زیرا روستائیان از آنها سلب امید کرده اند. هنگامیکه زحمتکشان برای دریافت وام به مبلغ کافی جهت احداث چاه به "جهاد" روی میآورند، "جهاد" میگوید اگر در آبنده زمین خشک هم بنود، شما باید وام دریافتی خود را بپردازید. واضح است که قبول این شرط از طرف زحمتکشان روستاها

بمعنی گرو نهادن همه هستی و دار و ندارشان میباشد. در "بیشه کلا" و "شاه آباد" محصولات ۲۰۰ الی ۳۰۰ هکتار از زمینهای خاندان منصور پهلوی که بدست روستائیان صادره شده بود، در حال ازبین رفتن می- باشد. همچنین حدود ۲۰۰ هکتار از زمینهایی که توسط شاخه‌ای از رودخانه هراز بنام "شر شری" مشروب میگرددند (زمینهای روستاهای "رویشت"، "بالا انرا"، "دریا سر") در حال خشک شدن هستند. کمبود آب موجب نوبتی کردن استفاده از آب شده است که این خود میزان تولید را شدیداً کاهش میدهد. در چنین شرایطی دولت جمهوری اسلامی بجای آنکه سر سوزنی به منافع زحمتکشان شریف روستاها بیاندیشد و بفکر چاره دردها باشد، ۳۰ هزار تن برنج پاکستانی وارد میکنند (انقلاب اسلامی - ۵۹/۴/۱۲) زیرا ۶۰ هزار تنی که قبلاً خریداری شده بود، کفاف احتیاجات داخلی را نمی دهد.

البته کم آبی در بسیاری از مناطقی مانند اردلان - مانند ترکمن صحرا - یک پدیده دائمی است و در سایر نقاط نیز گاهی چنان پیدا میکند که روستائیان با وجود همه کار توانفرسا و تحمل شداید، باز نصیبی از زمین نمی سوزند، طوری که ناچارند آنها را کرده به شهرها روی آورند و در آنها اگر بتوانند، شغلی برای خود دست و پا کنند و اینکه مسأله ساختمان را به نحوی اجتناب ندادیم به معنای مساعد بودن نسبی وضع در همه بقیه نقاط نیست. هم اکنون منطقه‌ای از خاک ما زخمی است که شامل شهرهای نور، محمود - آباد، آمل و بابل و دهات اطراف آنها میباشد. ما نند یک "منگویی" تشنه گل هل میزنند، اما دولت جمهوری اسلامی و قیامگاهه در این فکراست که چگونه میتوانند آنها را هر چه بیشتر بدوشد.

بوقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق بیهبری طبقه کارگر

www.iran-archive.com

بهاء ۵ ریال